

اصحاب آخر الزمانی سیدالشهدا...

روایت | ۲



■ اصحاب آخر الزمانی سیدالشهدا...

«همه چیز دست خدا است...»! این ها را سردار محمّد باقری می گوید؛ می گوید و محجوبانه سر به زیر می اندازد تا بغضش را از عقب ماندن از قافله ی شهدا و به خصوص برادر شهیدش پنهان کند. «خدا»، این واژه ی سه حرفی، مسیر زندگی و تلاش و مجاهدات همه ی سربازان سال های قبل و سرداران دیروز و شهدای امروز؛ آنانی که در تمام سال های عمر، بیش و پیش از آنکه امیدشان به ابزار و جنگ افزار باشد به خدا و ایمان به او و عده های صادقش بود؛ همین هم باعث شد که در اوج زرق و برق دنیایی، مهر خمینی کبیر^{علیه السلام} و حرف ها و شعارهایش به دلشان بنشینند.

سایر شهدای بامداد جمعه بیست و سوم خرداد هم از این قاعده مستثنا نیستند. غلامعلی رشید، حسین سلامی، امیرعلی حاجی زاده و دیگران، همگی در زمانی به ندای توحیدی خمینی کبیر^{علیه السلام} لبیک گفتند که از نظر حساب و کتاب های مادی، منطق چندان نداشت. آن ها نور خدا را در شخصیت خمینی^{علیه السلام} دیده بودند و همین برایشان کافی بود، حتی اگر مسیری که خمینی کبیر^{علیه السلام} به آن اشاره می کرد، در دنیا هیچ رهروی جز ملت ایران نداشته باشد. منبع قدرت، خدا بود؛ برای قدرتمند شدن هم باید به او متصل شد و خمینی حلقه ی این اتصال بود.

و عده ی خدا این بود که اگر او را یاری کنند، خدا هم یاری شان می کند و آن ها به این وعده ایمان داشتند؛ پس تمامشان را برای خدا گذاشتند و خدا هم به وعده اش عمل کرد. متجاوز یعنی، بعد از هشت سال جنگ و با وجود چند برابر شدن و توسعه ی ماشین جنگی اش به سبب یاری شرق و غرب، بهره ای از خاک این ملک نبرد و در نهایت، تسلیم اراده ی باقری و رشید و سلامی و دیگر رزمندگان شد. خدا پای وعده اش ایستاده بود. مردان بارزاده ای که دیکتاتور یعنی تسلیم اراده ی آن ها شد، در تمام طول سال های پایان جنگ تا ایران قدرتمند امروز، تسلیم خدا و اراده و رضای او بودند و مگر برای چنین کسانی پایانی جز شهادت می توان متصور بود؟ شهادت پاداش طبیعی یک عمر مجاهدت بود برای کسانی که تصمیم گرفته بودند جز در مقابل خدا، در برابر هیچ چیز سر خم نکنند. به تعبیر سیدمرتضی آوینی، اصلاً غایت خلقت جهان هم همین بوده؛ اینکه انسان هایی پرورش یابند که در برابر شدايد، بر هر چه ترس و شک و تردید و تعلّق غلبه کنند و حسینی شوند. این غلبه بر تعلّق ها و تردیدها است که قدرت می آورد و این ها استاد تمام غلبه بر تعلّق ها هستند. محمّد باقری درست فهمیده بود که همه چیز دست خدا است! خدایی که دهه ی ۶۰ بود، سال های جنگ بود و الان هم هست؛ خدای «أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ»، وقت نصرت و امداد؛ خدای وعده های صادق «لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ» و این بندگان نیک او که پای یاری دینش آمدند؛ اصحاب آخر الزمانی سیدالشهدا^{علیه السلام} که حتی اگر هم جنگ نمی بود، باز هم راه و سرنوشت شان از کربلا می گذشت.

اسرائیل در پی تکرار الگوی حمله ی خرداد ۱۳۴۶ به مصر و فلج کردن نیروهای مسلّح ایران بود

«رؤیای برباد رفته ی عبری»

رژیم، در ایجاد بعضی سردرگمی ها در نیروهای مسلّح، بی تأثیر هم نبود.

اسرائیلی ها حالا خودشان را در آستانه ی یک پنجره ی طلایی برای شکستن کمر نیروهای مسلّح ایران می دیدند و رؤیای حمله ی خرداد ۱۳۴۶ به مصر را در سر می پروراندند. از نگاه آن ها، جنگ شش روزه و خرد شدن کمر ارتش مصر این بار در جغرافیای ایران در حال تکرار بود.

با همه ی این ها اما اتفاق دیگری افتاد. تا پیش از ظهر، با سرعت عمل فرماندهی کلّ قوا، ساختار تصمیم و اقدام نیروهای مسلّح با انتصاب رئیس جدید ستاد کلّ نیروهای مسلّح و فرماندهان جدید سپاه و قرارگاه جنگی خاتم الانبیاء و در ادامه هم فرمانده کلّ ارتش ترمیم شد. ترمیم این ساختار برای تصمیم گیری و فرماندهی و کنترل نیروهای مسلّح و تعیین هندسه ی هجومی برای پاسخ متقابل به دولت عبری ضروری بود. نتایجش هم در همان ابتدا و به وضوح از بعد از ظهر روز جمعه، در میدان، خود را نشان داد.

اولین نشانه های ترمیم این ساختار و ارتقاء مدیریت میدان، خود را در وضعیت پدافندی نشان داد؛ پدافند بعد از ظهر و عصر و جمعه شب با قیل از آن قابل مقایسه نبود. در نهایت هم هم زمان با تاریکی هوا و آغاز موج حملات

هجومی به پایتخت دولت عبری - که پرتراکم ترین و پُرلایه ترین نقطه ی پدافندی دنیا است - نشان داد که ساختار فرماندهی و کنترل مجموعه ی نیروهای مسلّح کشور بازسازی شده است. در ادامه هم نطق کوتاه ۳ دقیقه و ۳۸ ثانیه ای فرمانده کلّ قوا آبی بر آتش التهاب افکار عمومی بود که در کنار ترمیم ساختار تصمیم و اقدام نیروهای مسلّح و شروع عملیات هجومی دوربرد ایران به عمق سرزمین های اشغالی، مدیریت میدان را به سود ایران تغییر داد؛ امواجی که تا صبح روز بعد با پنج موج حملات تکرار شد. در نهایت، روز شنبه هم فرمانده جدید نیروی هوافضای سپاه پاسداران سگان فرماندهی دست بلند ایران به عمق سرزمین های اشغالی را در دست گرفت.

بنابراین، انتظار می رود ساعات و روزهای سخت تری در انتظار رژیم عبری باشد؛ دلیل؟ تجربه ی ۲۴ ساعت گذشته. رؤیای مصر شدن ایران برباد رفت!

حمله ی غافلگیرانه ی دولت عبری و ترور تعدادی از فرماندهان ارشد نظامی، از نظر راهبردی، با طرح ضربتی و غافلگیرانه ی جنگ شش روزه علیه مصر و فلج کردن ارتش این کشور برابری می کند. حسب پیش بینی مقامات اسرائیلی، درست در سالگرد همان اقدام - خرداد ۱۳۴۶ - ترور دسته جمعی فرماندهان ارشد نیروهای مسلّح و مسئولان ارشد بازوی تهاجمی ایران - نیروی هوافضای سپاه پاسداران - در بیست و سوم خرداد، قرار بود نظام تصمیم گیری و اقدام در نیروهای مسلّح را فلج کند.

در بهترین و دور از تحلیل ترین حالت، چند روز طول می کشید تا ایرانی ها به خود بیایند؛ همین مدّت زمان کافی بود تا با هجوم همه جانبه و به تعبیر اسرائیلی ها پیش دستانه ی آن ها در کنار عملیات سرکوب پدافند و کور کردن شلیک های بالستیک به اراضی اشغالی، ایران را زیر ضربات خردکننده ی بعدی قرار داده تا در نهایت، بعد از چند دور زد و خورد، شمرنده و با دست پایین از معرکه خارج شود؛ مانند اتفاقی که در خرداد ۱۳۴۶ شمسوی و در جنگ شش روزه برای ارتش مصر رقم خورد. بمباران سنگین ساختار نیروهای هوایی مصر، ساختار اقدام در ارتش این کشور را فلج کرد و در نهایت هم در یک

افتتاح بزرگ، کلّ صحرای سینا توسط نیروهای ارتش اسرائیل اشغال شد.

هدف موج اوّل حمله ی اسرائیل در بامداد جمعه بیست و سوم خرداد هم که در سالگرد حمله به مصر انجام شد، همین بود: فلج کردن ساختار اقدام در نیروهای مسلّح ایران! ارتش عبری با این اقدام، علاوه بر فلج کردن ساختار نظامی کشور، یک پنجره ی زمانی طلایی پیدا می کرد تا ضربات خردکننده ی بعدی را به ایران وارد کند. ضربه، در همان موج اوّل، بسیار بهت آور بود: رئیس ستاد کلّ نیروهای مسلّح، رئیس قرارگاه جنگی خاتم الانبیاء، فرمانده کلّ سپاه پاسداران و فرمانده بلند آوازه ی نیروی هوافضای سپاه پاسداران در عرض دو ساعت ترور شدند! شبیه این اتفاق در هر ارتش و نیروی مسلّح هر کشوری باعث متلاشی شدن ساختار نظامی آن کشور می شود؛ غافلگیری بزرگی که در چند ساعت نخست حمله ی



یک رژیم همیشه نیابتی

بیست و چهارم اردیبهشت ۱۳۲۷ شمسی، تل آویو، بلوار روتشیلد، پلاک ۱۶: ۲۵۰ نفر از چهره‌های جنبش صهیونیسم، هم‌زمان با پایان قیومیت بریتانیا بر فلسطین، اعلامیه‌ی استقلال اسرائیل را قرائت کردند. هرچند آمریکایی‌ها یازده دقیقه بعد، اسرائیل را به طور دوفاکتو و موقت به رسمیت شناختند، اما اولین کشوری که به صورت رسمی این رژیم جعلی را به رسمیت شناخت اتحاد جماهیر شوروی بود. عجیب هم نبود؛ هسته‌ی اولیه‌ی بنیان‌گذاران اسرائیل صهیونیست‌های چپ سوسیالیست بودند.

مقامات شوروی این‌گونه حساب کرده بودند که در وضعیت تخاصم روبه‌رشد بین آن‌ها و بلوک غرب، رژیم اسرائیل می‌تواند یک زنجیره به اقماران‌ها در غرب آسیا اضافه کند. با همین نگاه هم پیش از تشکیل اسرائیل، با واسطه‌ی بعضی کشورهای بلوک شرق مثل چکسلواکی، به تجهیز و تسلیح آزانس یهود پرداختند تا با خروج قوای بریتانیا، صهیونیست‌ها دست پُری علیه اعراب و مسلمانان داشته باشند. حتی بعد از تشکیل اسرائیل هم استالین اولین رهبر یک کشور بود که هواپیمای جنگی را اختیار صهیونیست‌ها گذاشت.

البته شوروی دور خورده بود؛ زیرا آزانس یهود و جنبش صهیونیسم هرچند در ظاهر سوسیالیست بودند، اما در باطن ریشه در منتها‌الیه راست سرمایه‌داری داشتند و پیش از تشکیل اسرائیل که آزانس یهود با مهاجرت سازمان‌یافته‌ی یهودیان به فلسطین به دنبال برهم زدن بافت اجتماعی فلسطین بود، بیش از پنج میلیون یهودی آمریکایی که تالیه‌های عالی سیاسی و اقتصادی آمریکا هم نفوذ داشتند، مهم‌ترین شبکه‌ی مالی و سیاسی تشکیل اسرائیل محسوب می‌شدند.

چند سال بعد از تشکیل اسرائیل نیز روابط راهبردی دو طرف تا حدی افزایش پیدا کرد که اسرائیل عملاً نایب اطلاعاتی و جاسوسی آمریکا علیه شوروی شد. آمریکایی‌ها در شوروی و کشورهای بلوک شرق با محدودیت زیادی روبه‌رو بودند. این وضعیت در مورد اسرائیل - که توسط صهیونیست‌های چپ بنیان‌گذاری شده بود - برعکس بود. در دهه‌های میانی قرن بیستم، سفارتخانه‌های اسرائیل عملاً به نیابت از سازمان جاسوسی آمریکا (CIA) مشغول جاسوسی و جمع‌آوری

اطلاعات در کشورهای بلوک شرق بودند؛ از تشکیل شبکه‌ی جاسوسان در این کشورها گرفته تا بازجویی‌های اولیه از یهودیانی که از روسیه و دیگر کشورهای شرق اروپا راهی اسرائیل می‌شدند و اطلاعاتشان مستقیماً در اختیار آمریکا قرار می‌گرفت.

با هجوم خرداد ۱۳۴۶ اسرائیل به مصر که از متحدان شوروی بود، روابط اسرائیل و بلوک شرق بیش از حد متشنج شد و نیابت امنیتی و اطلاعاتی و نظامی آمریکا توسط اسرائیل هم غلیظ‌تر. در این زمان، کار به قطع رابطه‌ی شوروی با اسرائیل کشید؛ قطع رابطه‌ای که تا فروپاشی شوروی در پاییز ۱۳۷۰ طول کشید.

فروپاشی شوروی در ۱۳۷۰، فرو ریختن نظم دوقطبی و تبدیل شدن آمریکا به قطب برتر جهان بود. حالا همه باید به نظم آمریکایی تن می‌دادند. در غرب آسیا اما ایران ساز دیگری می‌زد. نفت اهقیت این منطقه را بیش از پیش کرده بود. بینی صدام هم در جنگ اول خلیج فارس به خاک مالیده شده بود. خلا قدرت باید توسط آمریکا و متحدانش پُر می‌شد، وگرنه ایران رهیده از جنگ این‌خلاف را پُر می‌کرد. بنابراین، سیل نیروها و تجهیزات آمریکایی راهی منطقه شد تا پاسبانی مهم‌ترین ذخیره نفتی جهان را خود آمریکایی‌ها بر عهده بگیرند.

«فلسطین» تنها مسئله‌ی غرب آسیا بود. عرفات، چریک پیر فلسطینی، خسته از سال‌های مبارزه پالس سازش می‌داد. اسرائیلی‌ها زیر بار نمی‌رفتند. سال‌ها هرچه دلشان خواسته بود در منطقه کرده بودند. کسی باید آن‌ها را پای میز صلح می‌کشاند. مسئله‌ی «فلسطین» باید برای همیشه حل می‌شد. عرفات و اسحاق رابین، در کاخ سفید، زیر سایه‌ی کارفرمای پروژه پیمان صلح بستند تا مسئله‌ی «فلسطین» برای همیشه حل شود. تقدیر اما چیز دیگری رقم زده بود.

رابین توسط تندروهای اسرائیلی ترور شد. سلفی‌گری که با حمایت آمریکایی‌ها علیه روس‌ها در منطقه جان گرفته بود، این مرتبه سراغ برج‌های دوقلوی نیویورک رفت تا چاقو دسته‌ی خودش را ببرد و نظام‌گیری آمریکایی وحشی‌تر از پیش شود و حاصلش هم بشود هجوم به افغانستان و عراق و تحریک مردم و اعراب منطقه. آن سو در فلسطین هم از خاکستر سازش عرفات که نتیجه‌اش توسعه طلبی بیشتر اسرائیل بود، مقاومت اسلامی فلسطین جان گرفت.

در انتخابات مجمع قانونگذاری فلسطین که از سازوکارهای سازش اُسلو بود، مردم غزه و کرانه‌ی باختری در سال ۱۳۸۵ قدرت را در یک فرایند کاملاً دموکراتیک به حماس سپردند؛ اتفاقی که اصلاً به مذاق آمریکا و اتحادیه‌ی اروپا و اسرائیل خوش نیامد. بنابراین، انتخاب مردم را تحریم کردند و اسرائیلی‌ها نمایندگان را تهدید به ترور، نظم منطقه داشت از دست آمریکایی‌ها درمی‌رفت. فشار باید زیاد می‌شد تا طرح آمریکا در منطقه درست پیش برود. بخشی از فشار را آمریکایی‌ها پیش می‌بردند و بخشی هم محوّل شد به نایب قدیمی‌شان، یعنی اسرائیل!

حالا آن سو در شرق آسیا، چین به عنوان دیگر خصم آمریکایی‌ها سر برآورده؛ باید سراغ او هم رفت. این سوا اما عمده‌ی قوا و هزینه و انرژی معطوف غرب آسیا است. شعله‌های این سورا باید خاموش و منطقه آرام کرد، در ادامه هم کار را به نایب سپرد. اسرائیل نیابت آمریکایی‌ها را دارد، اما چندان خوش‌نام نیست؛ پس مشوق‌هایی باید فهرست شود تا همسایگان روابطشان را با نایب آمریکا عادی کنند. قدرت روزافزون ایران و مقاومت به عنوان دشمنان درجه‌ی اول اسرائیل هم باید مهار شود.

رژیم نیابتی اسرائیل قرار بود قطب سیاسی و نظامی و اطلاعاتی و اقتصادی و حتی ژئوپلیتیکی آمریکا در غرب آسیا شود؛ اما طوفان الاقصی و مقاومت در فلسطین و لبنان و یمن و ایران، تا اطلاع ثانوی همه‌ی این برنامه‌ها را به هم ریخته، دعوا بر سر دو نوع نظم است: نظامی طبیعی که می‌خواهد از بین کشورهای و جوامع بومی منطقه بجوشد، با نظامی تحمیلی که آمریکایی‌ها می‌خواهند به منطقه حُقه کنند. ابزار این حُقه کردن اسرائیل است. اسرائیل از اول یک رژیم نیابتی بوده.

■ پایان سرمقاله



مشاهده این متن در قالب ویدئو

مَا قَطَعْتُمْ مِّن لِّبَّةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَنَّكُم مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ سَاحِلٌ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَنَّكُم مِّنْ بَيْنِ يَدَيْهِ سَاحِلٌ | سوره حشر، آیه ۵

فاسق کسی است که با انجام گناه از حالت دینداری خارج شده است

فاسق آن کسی را میگویند که از دین یا از وضعیت دینی خارج شده باشد. اینکه کسی که گناه میکند میشود فاسق، به همین جهت است. وقتی کسی گناه کرد، از آن حالت دین، و آن روح دینی و دینداری بیرون میرود. کفار یهودی بنصیر هم همینجور بودند؛ یا به اعتبار اینکه قبل از آمدن پیغمبر، اینها گرایش قلبی و روحی به پیغمبر داشتند... و وقتی که شناختندش، کفر ورزیدند به او؛ یا از این جهت است، یا به این اعتبار که اینها بعد از آنکه پیغمبر آمده بود و اینها ایمان نیاورده بودند، با پیغمبر حالت مسالمت و مصالحه داشتند که خود این خوب بود، اما از آن حالت خارج شدند و قصد جان پیغمبر و جان اطرافیان پیغمبر را کردند و با دشمنان پیغمبر رابطه برقرار کردند؛ این هم فاسق است. ● ۱۳۶۱/۰۵/۰۸ | بیانات حضرت آیت الله خامنه ای در جلسه تفسیر سوره حشر

حدیث زندگی

دشمنی با ظالم، وصیت امیرالمؤمنین (ع) است

نظام سیاسی اسلام با ظلم مخالف است، با ظالم مخالف است؛ خیلی ساده. دستور دارد «كُونُوا لِلظَّالِمِ خَصَمًا»؛ به ما گفته اند «كُونُوا لِلظَّالِمِ خَصَمًا». امیرالمؤمنین، مظهر اسلام واقعی، وصیتش به عزیزترین عناصر عالم یعنی دو فرزندش این است که با ظالم دشمن باشید؛ با ظالم خصومت کنید؛ وَلِلْمَظْلُومِ عَوْنًا؛ ... بنای رژیم صهیونیستی بر ظلم است، اصلاً مبتنی بر ظلم است؛ یک ملت را از خانه و زندگی شان بیرون کرده اند، [آن هم] نه با پول و درخواست، [بلکه] با تفنگ و با شکنجه و با باتوم، و جای آنها ننشسته اند. مبنایش ظلم است. خب این رژیم قهراً با نظامی که «كُونُوا لِلظَّالِمِ خَصَمًا» را تابلو کرده و بالای سرش نگه داشته مخالف است؛ طبیعی است. ● ۱۴۰۲/۰۵/۲۶ | جایگزین بشود درص ۴

کلام امام، نقشه راه انقلاب

ملت‌های مسلمان باید حذف غده سرطانی را مطالبه کنند



تا کشورهای اسلامی، ملت‌های اسلامی، آن معنایی که در ایران پیدا شد، الگوی خودشان قرار ندهند و تا خودشان به خیابانها نریزند و بخواهند از دولتهای خودشان که با اسرائیل باید روبرو بشوید، گمان نکنید که این کروکورها به تعقل برسند. ملت‌ها باید بایستند و بخواهند از ارتشهای منطقه خودشان و از دولتهای منطقه خودشان که بایند و با این فلسطینی‌ها که مورد ظلم واقع شده اند کمک کنند تا این غده سرطانی از بین برود.

● امام خمینی (ع) | ۱۳۶۱/۰۳/۲۳

خطبه های انقلاب

غده‌ی سرطانی؛ منطقی ترین حرف در باب اسرائیل غاصب است

در باب فلسطین امام صریحاً فرمود: اسرائیل یک غده‌ی سرطانی است. خوب، غده‌ی سرطانی را چه کار میکنند؟ غیر از قطع غده. یک عده قدرتمند که در رأس آنها اول انگلیس بود، بعد هم آمریکا ملحق شد، دنباله رو آنها هم کشورهای غربی، آمده اند میگویند کشور فلسطین و ملت فلسطین باید حذف بشوند تا به جای آن، کشوری به نام اسرائیل و ملت جعلی ای به نام ملت اسرائیل به وجود بیاید. این یک حرف؛ یک حرف دیگر هم در مقابلش هست که حرف امام است؛ میگوید: نه، این واحد جعلی و تحمیلی باید حذف شود؛ به جای آن، ملت اصلی و کشور اصلی و واحد جغرافیائی اصلی سرکار بیاید. امام این را می گفت. این منطقی ترین حرفی است که در باب اسرائیل غاصب و در باب مسئله‌ی فلسطین میشود گفت.

● ۱۳۸۹/۰۳/۱۴ | خطبه های نماز جمعه

منشور معنوی انقلاب

فرازی از وصیت نامه شهید اکبر علی بلندی

ایران اسلامی، اساس ظلم جنایتکاران را در هم خواهد ریخت



۱۳۶۱/۰۸/۱۱

عین خوش - منطقه عملیاتی مجرم

گلزار شهدای کاشان

ایران اسلامی با همان قدرتی که شاه و دست نشاندهانش را بیرون رانده و با همان مشیت‌های گره شد از ایمان بر تانک و توپ غلبه کرده، اساس ظلم همه جنایتکاران را با نهیب الله اکبر خمینی رهبر در هم خواهد ریخت. اسرائیل غاصب گلوله‌های خود را بر سر مردم رنج کشیده و مستضعف فلسطین می‌ریزد و هر روز با سلاح‌های مدرن خود مردم مسلمان را به خاک و خون می‌کشد. این‌ها قلب انسان آزاده و هدف دار را می‌آزارد و او نمی‌تواند در مقابل این جنایات ساکت بنشیند و خصوصاً آن‌کس که در مکتب حسین (ع) آموخته باشد تن به هیچ ذلتی نمی‌دهد و در مقابل همه کسانی که خواستند خدشای به دین مبین اسلام وارد کنند می‌ایستد و از هیچ کس به جز خدا هراس ندارد و به هیچ نیرویی جز نیروی خدا تکیه نمی‌کند.



پیام تلویزیونی رهبر معظم انقلاب خطاب به ملت ایران در پی حملات رژیم صهیونیستی به نقاط مختلف کشور

بسم الله الرحمن الرحيم
عرض سلام دارم به ملت عزیز و بزرگ کشورمان. شهادت سرداران و دانشمندان عزیز - که البته برای همه سنگین است - و تعدادی از مردم غیر نظامی را به ملت ایران، به خانواده‌های آنها، تبریک و تسلیت عرض میکنم. امیدواریم ان شاء الله خدای متعال درجات آنها را عالی کند و ارواح طیبه شان را مشمول لطف ویژه‌ی خودش قرار بدهد. و اما مطلبی که مایل بودم با ملت عزیزمان در میان بگذارم این است که رژیم صهیونیستی اشتباه بزرگی کرد، خطای بزرگی کرد، غلطی کرد و عواقب آن، او را بیچاره خواهد کرد، به توفیق الهی. ملت ایران از خون شهدای گران قدر نخواهد گذشت، از تجاوز به آسمان کشورش صرف نظر نخواهد کرد. نیروهای مسلح ما آماده هستند و مسئولین کشور و همه‌ی آحاد مردم پشت سر نیروهای مسلحند.

امروز از همه‌ی جناحهای گوناگون سیاسی کشور و آحاد گوناگون کشور پیامهای مشابهی صادر شد. همه احساس میکنند که باید در مقابل هویت خبیث رذل تروریست صهیونیستی با قدرت عمل کرد؛ باید با قدرت عمل کرد و ان شاء الله با قدرت عمل خواهد شد و با آنها مماشاتی نخواهیم کرد. زندگی برای آنها تلخ خواهد شد، بدون تردید. فکر نکنند که زند و تمام شد؛ نه، کار را آنها شروع کردند و جنگ به راه انداختند. ما به آنها اجازه نخواهیم داد که از این جنایت بزرگی که انجام دادند، خودشان را سالم خلاص کنند؛ مسلّم، نیروی مسلح جمهوری اسلامی ضربه‌های سنگینی بر این دشمن خبیث وارد خواهد آورد. ملت هم پشتیبان ما است، پشتیبان نیروهای مسلح است و جمهوری اسلامی، به اذن الهی، بر رژیم صهیونیستی فائق خواهد شد. ملت عزیز این را بدانند و مطمئن باشند و خاطر جمع باشند که در این زمینه هیچ کوتاهی‌ای صورت نخواهد گرفت. والسلام علیکم ورحمة الله وبرکاته.

● ۱۴۰۴/۳/۲۳